

بررسی اطلاع دادرسی در محاکم استان کهگیلویه و بویراحمد و راهکارهای غلبه آن

غلامحسن آروین اصل^{۱*}، قوام کریمی^۲، عصمت رستگار^۳

^۱ دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

^۳ کارشناس ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

اطاله دادرسی در دادگاه های دادگستری یکی از موضوعاتی است که مخصوصاً در سنوات اخیر به لحاظ اهمیت و آثار سوء و زیانباری که دارند برای مراجعین دادگستری و حتی متصدیان امر قضاء، اعم از مدیران ارشد قوه قضائیه و قضات و سایر کارکنان این تشکیلات به یک معضل تبدیل گردیده است. تلاشها و اقدامات نسبتاً خوب و مناسبی جهت رفع این معضل هم از سوی مسئولین قوه قضائیه و هم از سوی بعضی صاحب نظران معمول گردیده ولیکن کافی نبوده و مشکل همچنان به قوت خود باقی است و لازم است در این خصوص تحقیقات بیشتری صورت پذیرد. در این تحقیق درصدد شناسایی و جواب این سؤال هستیم که مهمترین علل و عوامل موثر در اطلاع دادرسی در محاکم استان کهگیلویه و بویراحمد کدامند؟ آیا فقط قوه قضائیه مسئول است و یا قوای مقننه و مجریه و سایر نهادهای غیر دولتی هم در این امر موثر هستند؟ نتیجه تحقیق انجام شده این است که اولاً عوامل متعددی در بروز این معضل دخیل می باشند. ثانیاً این عوامل ناشی از ایراداتی است که هم در قوای سه گانه وجود دارد و هم دیگر نهادها از جمله کانونهای وکلا و کارشناسان رسمی در آن موثر می باشند. به عنوان مثال مواردی از قبیل کمبود شدید کادر قضایی و اداری و تجهیزات و ملزومات مناسب کاری و تراکم زیاد کار در این استان از علل مربوط به قوه قضائیه بوده و از عوامل مربوط به قوای مقننه و مجریه باید به نقص و یا خلاء قانونی و عدم آگاهی مدیران و متصدیان اجرایی و مراجعین به دادگاهها از قوانین و یا نحوه اجرای صحیح قوانین و دستورات قضایی اشاره کرد و برای رفع آن لازم است این ایرادات و ابهامات مرتفع گردد و آموزشها و آگاهیهای لازم هم به مجریان قوانین و هم به سایر مردم داده شود.

واژه‌های کلیدی: محاکم، دادرسی، اطلاع، راهکار.

مقدمه

موضوع عدالت و عدالتخواهی بحثی است که در همه اعصار مطرح بوده و برای تحقق آن همواره بین مردم و حکومتها و اقشار مختلف جامعه، اختلاف نظرها و مجادله‌ها وجود داشته است. مردم خواهان اجرای عدالت بوده و حکومتها هم مدعی هستند که عدالت پیشه بوده و برنامه‌ها و اقداماتشان عادلانه می‌باشد. این بحثها نه فقط بین مردم و حکومتها می‌باشد بلکه همچنانکه ذکر شد بین اقشار جامعه و گروهها و افراد هر قشری از مردم هم در مقابل یکدیگر وجود دارد هر کس خود را ذی حق می‌داند و به دنبال راهی است تا با استفاده از آن به حقش برسد و یا حق و حقوق مکتسبه خود را در پناه آن از خطر تعرض دیگران محفوظ بدارد.

اما اینکه این امکان چگونه میسر است موضوعی است که جامعه ما معمولاً جواب آن را در دستگاه قضایی جستجو کرده و هر گاه و هر جا سخنی به ناحق گفته شود و یا عمل خلافی مشاهده می‌گردد، برای رفع مشکل و اجرای عدالت به دادگاههای دادگستری مراجعه می‌نمایند. مردم انتظار دارند سریعاً به دادخواهی و شکایتشان رسیدگی و جواب یا حکم قانونی مناسب بگیرند. باید اقرار و اعتراف نمود توقع و انتظار مردم، بسیار به جا بوده و بلکه حق ایشان است که سریعاً سخنان ایشان شنیده شود و سریعاً حکم محکمه را هم دریافت نمایند تا از سر در گمی و نگرانی نجات پیدا کنند.

اما متأسفانه معضلی به نام اطاله دادرسی در دادگاههای دادگستری سد راه ایشان گردیده و مردم را ناامید از طرح دعوا و مراجعه به دادگاهها نموده است. این موضوع نه فقط برای مردم بلکه برای خود تشکیلات قضائی هم مشکل ساز بوده و موجب خستگی مفرط عوامل انسانی و هزینه‌های کلان و تراکم کار فراوان، ضعف و کاهش قاطعیت قوه قضائیه و ضابطین دادگستری گردیده است.

اگر چه بنا به جهات و دلایلی ممکن است این وضعیت در همه استان‌ها یکسان نباشد و تفاوتهایی هم در کمیت و هم در نوع علل و عوامل وجود داشته باشد، اما در مجموع می‌توان گفت در تمام استانها این مشکل وجود دارد. استان کهگیلویه و بویراحمد هم تقریباً همانند سایر استانها با این مشکل مواجه بوده و مردم، مخصوصاً مراجعین به مراجع قضایی استان (اعم از دادسراها و دادگاهها) همچنین شاغلین در دادگستری بالاخص قضات و مسئولین دادگستری این استان از وجود چنین وضعیتی نگران می‌باشند. در این استان هم به تبعیت از رئیس و سایر مدیران ارشد قوه قضائیه در جهت رفع این معضل تلاشها، فعالیتهای، تدابیر و اقدامات نسبتاً خوب و مناسبی انجام گرفته است، اما واقعیت این است که تا رسیدن به وضعیت مطلوب همچنان فاصله زیادی وجود دارد.

ما بنا داریم با امید به لطف و عنایت ویژه حق تعالی و راهنمایی و مشورت اساتید محترم علل و عوامل این معضل را در دادگاههای استان کهگیلویه و بویراحمد شناسایی نموده و تا جایی که ممکن است راههای غلبه بر آنها را نیز ارائه دهیم و در این تحقیق که در سه فصل تهیه گردیده است، در فصل اول پس از ذکر تعاریف واژه‌های کلیدی به طور مختصر به وضعیت جغرافیایی، اجتماعی و قضایی پرداخته ایم و در فصل دوم سعی شده عوامل موثر در اطاله دادرسی و نقش هر کدام از قوای سه گانه (قضائیه، مقننه و مجریه) و سازمانها و نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی را شناسایی و مورد نقد و بررسی قرار دهیم و در فصل سوم راهکارهای موثر در رفع این پدیده را ذکر کرده و به تفصیل تشریح نموده ایم. بدان امید که تلاش ما بی نتیجه نماند.

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش**الف: تعریف دادرسی از نظر لغوی**

بامختصر تاملی ملاحظه می‌گردد که دادرسی واژه‌ای مرکب از دو کلمه می‌باشد. یکی کلمه ((داد)) و دیگری کلمه ((رسی)). برای کلمه داد به غیر از معانی دادن و بخشیدن، معانی دیگری از جمله حق، فریاد، عدل و انصاف ذکر گردیده است.

ب) تعریف دادرسی از نظر اصطلاحی

دادرسی از نظر اصطلاحی به دومعنا عام و خاص و یابه عبارت دیگر موسع و مضیق مورد توجه بوده و آقای دکتر محمد جعفر لنگرودی در ردیف ۲۱۵۸ ترمینولوژی حقوق به تفکیک اعم و اخص تعاریفی به شرح زیر برای دادرسی آورده است.

۱- به معنای اعم، رشته ای است از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضائی، صلاحیت مراجع قضائی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌های باشد در فقه به آن قضاء می‌گویند.

۲- به معنای اخص: مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضائی به کار برود، مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم و در یک دعوی معین به کار برود (لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش).

همچنانکه در تعریف به معنای اخص آمده است، دادرسی دارای اقسام دیگری می‌باشد که هر قسم از آنها تابع شرایط خاص خود می‌باشد و چون شیوه رسیدگی به دعاوی در انواع دادرسی‌ها متفاوت است و روند رسیدگی در انواع دادرسی‌ها در اطاله ویا تسریع در رسیدگی به دعاوی تأثیر دارد مختصراً" توضیحاتی در مورد بعضی از آنها داده می‌شود.

دادرسی اختصاری: شیوه معمول دادگاه‌های حقوقی دادگستری در رسیدگی به دعاوی وحل و فصل و نهایتاً" صدور حکم بر مبنای همین دادرسی است و تعریفی که در این خصوص ارائه شده است بدین نحو است، نوعی از رسیدگی است که براساس آن بازجویی و بیان دعوی و دفاع در جلسه دادگاه است و اگر لایحه ای داده می‌شود جنبه استثنایی و یا اختیاری برای تکمیل و تنظیم اظهارات شفاهی اصحاب دعوی را دارد (لنگرودی محمد جعفر، مسبوط در ترمینولوژی جلد ۳).

تعریف واژه اطاله از نظر لغوی و اصطلاحی

الف)- از نظر لغوی:

اطاله به معنای طولانی شدن می‌باشد. در کتاب قاموس الفارسیه، اطاله به معنای اطاله دادن تعریف شده و در فرهنگ فارسی عمید، اطاله به معنای طول دادن و به درازا کشیدن تعریف شده است.

ب)- از نظر اصطلاحی:

از نظر اصطلاحی هم تقریباً همان تعریف لغوی را دارد که بسته به نوع کار مربوطه، تعریف خاص و کامل خود را پیدا می‌کند و به هر حال اطاله یعنی طول دادن کاری یا امری بیش از حد و اندازه معمول و متعارف.

استان کهگیلویه و بویراحمد وضعیت جغرافیایی، اجتماعی و قضایی در یک نگاه

استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱۶۲۶۴ کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی ایران واقع شده است. این استان از شمال با استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب با استان‌های فارس و بوشهر، از شرق با استان‌های اصفهان و فارس و از غرب با استان خوزستان همسایه است. قله دنا با ارتفاع ۴۴۰۹ متر بلندترین استان و پست‌ترین ناحیه آن لیشتر با ارتفاع ۵۰۰ متر از سطح دریا می‌باشد. شهرستان‌های استان عبارتند از: بویر احمد به مرکزیت یاسوج، کهگیلویه به مرکزیت دهدشت، گچساران به مرکزیت دوگنبدان، دنا به مرکزیت سی سخت، باشت به مرکزیت باشت، چرام به مرکزیت چرام، بهمئی به مرکزیت لیکک.

تاریخچه اطاله دادرسی در ایران

قبل از انقلاب اسلامی

معین کردن تاریخ دقیق ایجاد اطاله دادرسی مقدور نمی‌باشد، زیرا اطاله دادرسی چیزی مانند یک شیء مادی یا یک سازمان یا پدیده قانونی که در روز خاصی ایجاد شده باشد نیست.

((پیشینه اطاله دادرسی را می‌توان از زمان پایه ریزی دستگاه عدلیه در ایران جست و جو کرد (حسینی سیدناصر، نشریه ماوی آذرماه ۱۳۸۴ سال چهارم شماره ۴۹۳)) با توجه به اینکه از یک سو رشته‌های اطاله دادرسی متنوع و فراوان می‌باشد و از سوی دیگر از جمله عوامل اطاله دادرسی قوانین و مقررات می‌باشد و قوانین و مقررات قبل از تاسیس تشکیلات قضایی وضع و

تصویب شده اند، لذا در خصوص تاریخچه اطلاع دادرسی باید گفت در واقع همزمان با وجود آمدن تشکیلات قضایی، اطلاع دادرسی نیز پایه عرصه گذاشته است.

بنابراین نتیجه می گیریم که دستگاه قضایی سال هاست با این معضل دست و پنجه نرم می کند و راه های مختلفی برای مبارزه با آن آزموده شده است ((در شماره های چهارم و پنجم مجله حقوقی وزارت دادگستری در سال ۱۳۸۳ در سه نوشتار به اطلاع دادرسی پرداخته شده و آن رامعضل عدلیه وقت اعلام کرده است) (حیدری احمد، علل و عوامل اطلاع دادرسی، نشریه مأوی ۱۵ اسفند ۱۳۸۳)) این نوشتار نشان از گرفتار بودن مراجع قضایی آن زمان در چنگال اطلاع دادرسی دارد.

بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی نیز اطلاع دادرسی ادامه داشته است و تلاش هایی برای مبارزه با آن انجام شد که نباید آنها را نادیده گرفت که هر چند لازم بوده و موثر هم بوده است ولی کافی نبوده است.

مسولان دستگاه قضایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیستم گذشته دادرسی را که عمدتاً از کشور فرانسه اقتباس شده بود و در امور کیفری سیستم مختلط (ترافعی - تفتیشی) را به کار می بست با تغییرات جزئی دنبال کردند اما همه به فکر برقراری یک سیستم نوین متناسب با شریعت اسلام و نیازهای روز و جدید جامعه اسلامی بودند این امر باعث شده که پیش نویس لایحه دادگاه های عام را که بعداً به دادگاه های عمومی و انقلاب تغییر نام یافت تقدیم مجلس شود هدف از این لایحه ایجاد سرعت در رسیدگی و از میان برداشتن اطلاع دادرسی بود (سهراب بیگ امیرعباس، راه کارهای غلبه بر اطلاع دادرسی. تهران مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه ۱۳۸۰). ملاحظه گردید که اطلاع دادرسی در دستگاه قضایی با وجود تصویب و اجرای قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و حذف دادسرا ادامه پیدا کرد و با ورود بیشتر پرونده ها به دادگستری که عوامل مختلف و متعددی در آن دخالت داشته است، از جمله افزایش جمعیت و ناآشنایی اکثریت مردم و مراجعان به دادگستری با دانش و مسائل قضایی و کمبود کادر قضایی و اداری دادگستری و... استمرار یافت. طی چندسال اخیر تلاش مضاعفی برای رفع اطلاع دادرسی شروع شده و به نظر می رسد ما در اوج این تلاش ها هستیم و امید است که به نتیجه مطلوب برسیم. از جمله تلاش هایی که طی سنوات گذشته صورت گرفته تاسیس شوراهای حل اختلاف. تهیه طرح های رفع اطلاع دادرسی و... است.

مروری بر عوامل مؤثر در اطلاع دادرسی در دادگاههای استان

در خصوص علل اطلاع دادرسی ذکر چند نکته به عنوان مقدمه ضرورت دارد.

الف) بعضی از علل اطلاع دادرسی در هر حوزه قضایی با توجه به خصوصیات اقلیمی، جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی و غیره ویژه همان حوزه است یا در آن حوزه بیشترین تأثیر را دارد لذا یک نسخه واحد بمنظور رفع اطلاع دادرسی برای همه حوزه های قضایی نمی توان پیچید. لذا علاوه بر برنامه های کلان، رئیس، قضات و کارکنان اداری هر مجموعه نیز باید به بررسی و شناسائی علل اطلاع دادرسی در حوزه مربوطه پرداخته و سعی در مبارزه با این پدیده نمایند.

ب) همه عوامل اطلاع دادرسی مربوط به قوه قضائیه نیست بلکه بعضی از این عوامل احیاناً مربوط به دستگاه های مرتبط با دستگاه قضایی می شود. مثلاً عدم ابلاغ بموقع اوراق قضائی توسط مأمورین انتظامی.

ج) با وجود آنکه مردم حق دارند با توجه به اصل سهولت دسترسی و سرعت و دقت در دادرسیها از یک دادرسی سریع و دقیق برخوردار باشند، لیکن باید توجه داشت که عوامل اطلاع دادرسی لزوماً ریشه غیر موجه و خارج از قانون ندارند بلکه بعضی از عوامل اطلاع دادرسی ریشه در قوانین موجود دارند ولی از جهت حفظ حقوق شهروندی و امکان دفاع برای خواننده یا مشتکی عنه لازم است این قوانین موجود باشند و برای حل موضوع باید مدت یا مهلتی را که تعیین نموده اند یا راهی را که برای دادرسی پیش بینی کرده اند اصلاح نمود. با توجه به مقدمه مذکور در ذیل علل اطلاع دادرسی را بررسی می کنیم.

مواردی که به قوه قضائیه و دادگستری استان مربوط می شود.

عوامل انسانی

نقش نیروی انسانی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی در هر جامعه و اجتماع و هر سازمان و نهادی واقعیتی است انکار ناپذیر که می تواند در موفقیت و نیل به اهداف جامعه مربوطه و یا برعکس آن بسیار مؤثر باشد. طبیعی است که هر چه نیروهای انسانی از اطلاعات بیشتری برخوردار باشند و با اهداف و آرمان جامعه خود و ابزار کار بهتر شناخت داشته باشند امید به پیشرفت و موفقیت بیشتر خواهد بود. تشکیلات قضایی نیز مستثنای از این واقعیت نمی باشد و بلکه می توان گفت نیروی انسانی مهمترین و مؤثرترین عامل در انجام و یا اجرای وظایفی است که در قانون اساسی به عهده قوه قضائیه گذاشته شده است. اگر چه تقویت و تجهیز سایر عوامل ضرورت دارد و نیروی انسانی با وجود سایر عوامل می تواند وظیفه اش را به نحو مطلوب انجام دهد، اما نقش نیروی انسانی مخصوصاً از آن جهت که می تواند سایر عوامل را مدیریت نماید و به نحو شایسته به کار گیرد و از آنها استفاده مناسب نماید، مهمتر از سایر عوامل می باشد زیرا هر گاه در یک مجموعه قضایی به تعداد کافی قاضی و کارمند کارآمد و با تجربه و عالم وجود داشته باشد تا حدود زیادی نواقص و مشکلات را با تدبیر و ابتکارات خود جبران می نمایند.

تحلیل بیش از حد پرونده به یک شعبه متشکل از یک قاضی و حداکثر ۳ کارمند -در برخی شعب دادسرا و دادگاه کیفری این استان ۲ کارمند مشغول به کار هستند- نتیجه ای جز تراکم پرونده ها و افزایش موجودی ندارد و موجب تحلیل رفتن توان جسمی و روحی کارکنان می شود. قوه قضائیه در این بخش با شاخصه های مناسب و استاندارد جهانی فاصله زیادی دارد این در حالی است که سیر تقاضا برای خدمات قضایی در استان با آهنگی سریع تر از سایر استانها رو به تزاید است. در هر حال دستگاه قضایی می تواند منشأ خدمات ارزشمند و نیز تحول و پیشرفت کشور باشد اما متأسفانه از بعد نیروی انسانی مشکلاتی دارد از قبیل اشتغال عده ای قاضی کم تجربه و با دانش قضایی ضعیف و بدون انگیزه و تعدادی کارمند ناکار آمد و عدم وجود کارشناسان رسمی و متخصص در کلیه رشته های مورد نیاز و فقدان پزشکان قانونی متبحر و امکانات آزمایشگاهی و عدم استفاده از وجود وکلاء و مشاوران و نیز وجود خیل عظیم ارباب رجوع نا آشنا با قوانین و مقررات هر یک از عوامل انسانی مورد اشاره فوق از درد و مشکلات و کمبودها رنج می برند و در مجموع عملکردهای آنها خواسته و یا ناخواسته عمداً و یا سهواً موجب طولانی شدن امر دادرسی می شوند از اینرو طی مباحث جداگانه به شرح و تفصیل نقش این عوامل در اطاله دادرسی می پردازیم.

نقش قضات در اطاله دادرسی

در خصوص نقش قضات در رسیدگی به پرونده و انجام تحقیقات و نهایتاً صدور و اجرای حکم چندان نیازی به توضیح نمی باشد. چرا که آنچه مسلم و بدیهی است و تقریباً همه مردم و مخصوصاً مراجعین به دادگستری به آن واقفند این است که قاضی نقش اصلی و در واقع اول و آخر را دارد. قاضی است که بر اریکه قضاوت نشسته و سکان کشتی عدالت را بر عهده دارد و اوست که بر سایر عوامل مدیریت و نظارت دارد و علی القاعده می بایست هادی و مرشد سایر عوامل انسانی و برنامه ریز و تنظیم کننده امور اداری و دفتری باشد و به همین جهت خود قاضی می بایست برخوردار از صفات برجسته و ملکات روحی و روانی شایسته و نیکو باشد. سلامت نفس، عدالت، تقوی، سواد قضایی کامل، شجاعت، مدیریت خوب، آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم و خصوصاً عرف جامعه و ... بخشی از صفاتی است که قاضی می بایست داشته باشد، چرا که سلامت او سبب سلامت سایر عوامل انسانی مؤثر در دادرسی و فساد او سبب رواج بی عدالتی و ظلم به حقوق افراد جامعه خواهد شد. اهمیت شغل قضاء در طول تاریخ بر کسی پوشیده نبوده و نیست حتی در طول تاریخ پادشاهان ظالم هم سعی نموده اند که قضات عالم و دانشمند و عادل را به منصب قضاء منصوب نمایند. در مکتب ما «قضاوت از شئون ممتازه ولایت انبیاء و از جلوه های بارز حکومت الهی می باشد» (صدیقی، کاظم- مجله حقوقی و قضایی دادگستری شماره ۱۳ و ۱۴، سال ۷۴-ص ۷۹).

– عواملی که باعث می شود نتیجه عملکرد کارکنان اداری منفی باشد:

- با بررسی های به عمل آمده به این نتیجه می رسیم که این عوامل ممکن است ارادی و یا غیر ارادی باشند (عمد و غیر عمد) و عوامل متعددی می توانند موجب بی انگیزگی و دلسردی کارمندان شوند که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می شود.
- ۱- تفاوت نسبتاً زیاد بین حقوق کارکنان اداری و قضات. مخصوصاً وقتی که کارمند اداری می بیند با وصفی که میزان تحصیلاتش با قاضی یکی است (در بعضی موارد بالاتر است) و سوابق کاری و همچنین تعداد عیال و اولاد و مجموعاً هزینه زندگی اش هم بیشتر است ولیکن کمتر از قاضی حقوق می گیرد، دلسردی و بی انگیزگی وی بیشتر می شود. (اگر چه حقوق قضات با لحاظ حساسیت شغلی از بسیاری از مشاغل غیر حساس اعم مشاغل آزاد، نظامی و... به مراتب کمتر است).
 - ۲- وضعیت معیشتی نامطلوب و مشکلات شخصی.
 - ۳- در جامعه و مخصوصاً در محل کار و بالاخص در بین قضات و مدیران دادگستری چندان احترامی برایش قائل نمی شوند. در حالیکه برای یک قاضی ولو جوان و مبتدی فقط بدان جهت که سمت قضایی دارد احترام و توجه خاصی می شود.
 - ۴- عدم وجود ضابطه مشخص و مطمئن و قابل اجرا برای ارتقاء شغلی کارکنان اداری.
 - ۵- احساس تبعیض و تفاوت از نظر دریافت مزایا و سختی کار بین کارمندان ستادی و کارمندان شاغل در شعب دادگاه ها و همچنین در مقایسه با قضات.

دوم- چگونگی تأثیر دلسردی و بی انگیزگی کارمندان اداری در اطلاع دادرسی

جواب این سؤال را فقط کسی می تواند به خوبی تشریح نماید که اولاً خودش شاغل در دادگاه های دادگستری باشد. اعم از آنکه قاضی باشد یا کارمند اداری با سابقه کاری بالا. ثانیاً فرصت کافی داشته باشد یا به عبارتی برای حصول نتیجه وقت زیادی به این امر اختصاص می دهد. ثالثاً با کارکنان اداری و قضایی مراد خوبی داشته باشد تا بتواند از نظرات صادقانه و کارشناسانه ایشان استفاده نماید. نگارنده هم بیش از ۱۶ سال سابقه کار اداری در سطوح مختلف و هم با صرف وقت زیاد و مشاوره و تحقیق از تعداد زیادی از همکاران محترم قضایی و اداری با سابقه و علاقمند به امر تحقیق و پژوهش و سایر صاحب نظران به موارد زیادی دست یافته که خلاصه ای از نتیجه تحقیقات به شرح زیر آورده می شود. (این موارد ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد).

- ۱- کوتاهی و تأخیر در انجام اقدامات خواسته شده در دستورات و تصمیمات قضات در پرونده ها از ناحیه کارمندان.
- ۲- گاهی دستورات پرونده به نحو اشتباه و یا بر خلاف منظور قاضی صورت گرفته است.
- ۳- پرونده های منجر به صدور حکم قطعی با تأخیر به دواير اجرای احکام ارسال می شود.
- ۴- در تطبیق دادنامه ها یا پیش نویس رأی و تصحیح اشتباهات تاپی تعلل صورت می گیرد و منجر به ارسال دادنامه مبهم به شعبه اجرای احکام و به دست اشخاص می گردد و جهت رفع ابهام و صدور حکم تصحیحی پرونده بین دادگاه و اجرای احکام در رفت و برگشت بوده و باعث صرف وقت خواهد بود.
- ۵- اوراق اخطاریه ها و احضاریه هایی که به طور صحیح ابلاغ نشده اند در پرونده ها ضبط و ضمیمه می شوند و چون قبل از بایگانی نمودن این موارد نسبت به اصلاح ابلاغ ها اقدام نمی شود لذا منجر به تجدید وقت رسیدگی می شود.

نقش عوامل مدیریتی، نظارتی، آموزشی و اجرایی دادگستری استان.

۱- نقش مدیریت و عوامل نظارتی

مدیریت در هر مجموعه ای نقش اساسی و انکار ناپذیری دارد. یک مدیر خوب و مدبر می تواند آنچنان تأثیر گذار باشد که از ضعیف ترین و حتی بدترین و مشکل دارترین افراد زیر مجموعه خود به بهترین وجهی استفاده نموده و بهره ببرد. اگر گفته شود در دستگاه قضایی که قضات در اتخاذ تصمیم قضایی خود مستقل هستند، مدیر یا رئیس دادگستری نمی تواند چندان تأثیری داشته باشد. باید جواب داد چنین نگرشی ناشی از ضعف اطلاعات طرفداران این دیدگاه نسبت به نقش مدیریت در دادگستری است، خصوصاً که نقش مدیریت در نحوه ارجاع پرونده، تعداد پرونده ها، نوع یا موضوع پرونده ها، نظارت بر نحوه

تحقیقات و اصدار دستورات قضایی متناسب با موضوع پرونده و اصحاب آن بسیار حساس و موثر خواهد بود. اینگونه نظارت و مدیریت قضایی پرونده های خاص و مهم هیچ مغایرتی با اصل استقلال قضات ندارد، چرا که حتی در چنین مواردی هم که رئیس دادگستری به نحوی که ذکر شد مدیریت قضایی می نماید اما در صدور حکم نمی تواند نظرش را بر قاضی مربوطه تحمیل نماید و قاضی در صدور رأی مختار است و فقط نظر و استنباط قضایی خود را می دهد. همچنین نحوه برخورد مدیریت با همکار قضایی و ایجاد ارتباط مناسب و توجه به خواسته ها و انتقادات قاضی بسیار بسیار موثر می باشد، طوری نباشد که قاضی تصور نماید که مدیریت دادگستری فقط می خواهد از او کار بکشد و لا غیر. ولی با همه این اوصاف لازم است که مدیریت همواره و به انحاء مختلف (البته با حفظ حرمتها و شأن و جایگاه قضات) بر عملکرد قضات و توانایی ها و شجاعت و جسارت، عدالت محوری، رعایت نظم اداری و قضایی، شعور و بینش اجتماعی و قضایی و شم قضایی و رعایت شئون قضایی قضات، نظارت ویژه داشته باشد.

۲- نقش متصدیان امور آموزشی قضات استان

اگر چه در اوایل انقلاب و بنا به ضرورت و مقتضیات زمانی تعدادی از افراد دیپلمه در قالب طرح ماده واحد به عنوان قاضی در دادرسیها و دادگاه های انقلاب مشغول گردیدند، اما حسب بند ۵ ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱ حداقل مدرک علمی قاضی می بایست لیسانس از دانشگاه ها و یا پایان دوره سطح و دو سال درس خارج فقه و قضا برای طلاب می باشد. لیسانسیه هایی که به عنوان قاضی جذب قوه قضائیه می شوند، یا فارغ التحصیل دانشکده های حقوق دانشگاه های دولتی و دانشگاه های آزاد هستند و یا فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری وابسته به دادگستری می باشند.

تأثیر عوامل اجرایی دادگستری

اصلی ترین عوامل اجرایی دادگستری همان ضابطین دادگستری می باشند که با توجه به وظایف و اختیارات و مسئولیتهایی که دارند نقش مهم و اساسی می توانند در رفع و یا اطلاع دادرسی داشته باشند که در جای دیگری مفصلاً توضیحات کامل داده خواهد شد و فعلاً از بیان جزئیات و توضیحات خودداری می نمایم.

نقش قوانین و مقررات موجود در اطلاع دادرسی

در خصوص نقش قوانین و مقررات در اطلاع دادرسی، در مبحث اول گفتار دوم مطالبی ذکر گردید و توضیحاتی داده شد. اگر چه هدف از ذکر آن مطالب بیشتر بیان ایرادات وارده بر قوه مقننه و نحوه قانون گذاری در مجلس شورای اسلامی می باشد؛ اما در عین حال همچنانکه قبلاً ذکر شد همان موارد در واقع از ایرادات و اشکالات وارد بر خود قوانین نیز می باشد که اتفاقاً یکی از آثار آن ایرادات، اطلاع دادرسی در دادگاه های دادگستری و به تبع آن دادگاه های استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد که ما از ذکر مجدد آن موارد خودداری نموده و در این گفتار به بیان مواردی از اطلاع دادرسی می پردازیم که مستقیماً به قوانین موجود مربوط می شود. قوانین ماهوی موجد حق هستند و اسباب و مبنای حقوق را مشخص می نمایند و به عبارتی دیگر شرایط اساسی تحقق عمل قضائی را عنوان می کنند. بنابراین در یک دعوا باید قوانین ماهیتی وجود داشته باشد و در معرض تجاوز و انکار قرار گرفته باشد تا بر طبق قوانین شکلی برای اثبات یا نفی آن رسیدگی انجام گیرد. قوانین دادرسی اعم از سازمان قضائی و صلاحیت و شرایط اساسی صحت معاملات یا تعیین سهام ورثه و نظایر آن غالباً از قوانین ماهیتی می باشند، مع الوصف باید توجه داشت بعضی از قوانین آیین دادرسی حقوق ثابتی ای برای افراد ایجاد می کند و نمی توان آنها را بطور مطلق شکلی دانست (مدنی). دکتر سید جلال الدینی، آیین دادرسی مدنی جلد اول چاپ دوم انتشارات گنج دانش). حال باید دید مهمترین قوانین شکلی کدامند؟ مهمترین قوانین شکلی ما عبارتند از قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری که نقش این قوانین در اطلاع دادرسی مستقیم است، بر خلاف قوانین ماهوی که نقش غیر مستقیم را در اینخصوص دارند. زیرا قوانین آیین دادرسی مستقیماً مهلت ها و چگونگی تشکیل جلسات رسیدگی و مراحل تجدید نظر خواهی و سایر

روشهای به نتیجه رساندن دادرسی را مشخص می کنند؛ اما قوانین ماهوی بطور غیر مستقیم موجب تطویل دادرسی می شوند. زیرا کثرت و تورم این قوانین و پراکندگی و خلاصه های قانونی و عدم تعقیب سیاستهای جنایی مشخص در تدوین قوانین ماهوی کیفری و مسائل دیگر در این خصوص در مجموع باعث افزایش آمار پرونده ها و اختلافات بین مردم گردیده است که غیر مستقیم موجب اطاله دادرسی می شوند.

مواردی که هم موجب اطاله دادرسی می گردند و هم از ایرادات اساسی قانون آیین دادرسی مدنی می باشند.

۱- حذف مرور زمان در دعاوی مدنی

اگر چه در بسیاری از موارد استناد به مرور زمان در دعاوی حقوقی موجب تضییع حقوق ذوی الحقوق می گردد و افرادی با آگاهی از آثار این قاعده حقوقی و استناد به آن و سوء استفاده از ضعف یا عدم آگاهی دیگران، به راحتی اموال و املاک مردم را از ید و مالکیت ایشان خارج می کردند و یا به تملک خود در می آوردند؛ اما با دقت و تأمل در نظریات بسیاری از حقوقدانان و قضات محترم دادگاه های حقوقی و تجدید نظر استان که اینجانب با ایشان در اینخصوص مشورت داشته ام به این نتیجه می رسیم که وجود این قاعده حقوقی در جای خود می تواند بسیار مؤثر و مفید باشد. ولی پس از انقلاب اسلامی شورای نگهبان در پی استعلام شورای عالی قضائی با این مضمون که آیا عدم استماع دعاوی طلب و دین در دادگاه با توجه به ماده ۷۳۱ و ... در باب مرور زمان از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مخالف با موازین شرعی است یا خیر؟ جواب داد که: مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان، در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال، بیست سال، سه سال، یک سال و غیره) دعوا در دادگاه شنیده نمی شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد (حسین مهر پور. مجموعه نظرات شورای نگهبان جلد ۳ ص ۲۳۱).

۲- امکان تجدید جلسات رسیدگی به عناوین مختلف (بعضاً غیر متعارف)

در قسمت الف این مبحث موادی را ذکر کردیم که با استناد به آن مواد و بنا به جهات مذکور در آن مواد جلسات رسیدگی دادگاه ها تجدید و یا به تأخیر می افتد. هر چند توجه به مواد ذکر شده ضروری به نظر می رسد، اما گاهی اوقات ممکن است تمسک و استناد به آن مواد مورد سوء استفاده یک طرف و یا حتی طرفین دعوی قرار گیرد و بی جهت وقت رسیدگی تجدید شود.

۳- قابل تجدید نظر بودن قریب به اتفاق احکام دادگاه های بدوی

از آنجائیکه اولاً قضات دادگاههای دادگستری جامع شرایط نمی باشند. ثانیاً در هر حال انسان جایز الخطا است و یک قاضی هر اندازه که با سواد و دقیق و با تجربه باشد نمی تواند ادعا نماید که در کارهایش مرتکب اشتباه نمی شود. در نتیجه قابل تجدید نظر بودن آراء دادگاه ها قابل توجیه است. خصوصاً که توان علمی و اخلاقی کلیه قضات همیشه یارای رسیدگی به کلیه دعاوی پیچیده و وسوسه بر انگیز را بنحو قانونی و عادلانه نخواهد داشت و اگر آراء قابل تجدید نظر نباشد و کیفیت جای خود را به کمیت و آمار بدهد ما شاهد عدم تحقق اهداف دادرسی که احقاق حق و اجرای عدالت است خواهیم بود.

۴- حذف ماده ۴۰۸ ق.آ.د.م سابق و عدم امکان جلب گواه در دعاوی حقوقی

شهادت یکی از راه های اثبات دعوی است، هم در دعاوی حقوقی (مدنی) و هم در پرونده های کیفری، قانون گذار هم در قانون مدنی و هم در قانون مجازات اسلامی و هم در آیینهای دادرسی مدنی و کیفری توجه خاص و ویژه ای به آن داشته و موادی از قانونهای ذکر شده به این موضوع اختصاص داده شده است. طوری که کتاب سوم از جلد سوم قانون مدنی از ماده ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ به این موضوع اختصاص دارد و در ماده ۱۲۵۸ قانون ذکر شده است، شهادت به عنوان یکی از ادله در متون فقهی ما هم

جایگاه ویژه ای دارد لیکن فعلاً نیازی به ادای توضیح در اینخصوص نیست. چرا که ما در اینجا می خواهیم آثار حضور و یا عدم حضور و شیوه احضار و جلب و نهایتاً عدم امکان جلب شاهد را در دعوی حقوقی بررسی نماییم.

۵- نامحدود بودن مهلت فرجام خواهی از طریق دادستانی

حسب مفاد ماده ۳۹۷ ق.آ.د.م مهلت در خواست فرجام خواهی برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه می باشد. مواد ۳۸۹ تا ۴۰۰ قانون ذکر شده ابتدای مهلت فرجام خواهی را مشخص کرده است که رعایت آن مواعد ضروری می باشد (و ما از ذکر آن موارد خودداری می کنیم) اما ماده ۳۸۷ این قانون به نحوی نگارش گردیده که احکام قابل فرجام برای همیشه قابل فرجام باشد و محدود به زمان نباشد. برای استفاده بهتر متن ماده ۳۸۷ و تبصره آن را ذکر می کنیم. هرگاه از رأی قابل فرجام در مهلت مقرر قانونی فرجام خواهی نشده، یا به هر علتی در آن موارد قرار رد دادخواست فرجامی صادر و قطعی شده باشد و ذی نفع مدعی خلاف شرع یا قانون بودن آن رأی باشد، می تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی فرجامی بنماید. تقاضای یاد شده مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی فرجامی است. تبصره: مهلت تقدیم دادخواست یک ماه حسب مورد از تاریخ انقضاء مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست فرجامی یا ابلاغ رأی دیوان عالی کشور در خصوص تأیید قرار رد دادخواست فرجامی می باشد.

۶- آثار سوء ناشی از اعمال ماده ۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی

موضوع ابلاغ اوراق قضایی یکی از موضوعات مهم و در واقع دغدغه های اصلی سنوات گذشته و حال قوه قضائیه و دادگاه های دادگستریها می باشد. چرا که بی توجهی در این امر موجبات تضییع حقوق اصحاب دعوی را در پی خواهد داشت. معمولاً در دادگستریهای شهرستانها دایره ای تحت عنوان دایره ابلاغات وجود دارد که وظیفه سنگین ابلاغ اوراق قضائی را به عهده دارند به همین جهت در انتخاب و یا گزینش پرسنل دایره ابلاغات می بایست حساسیت و تأمل ویژه ای معمول گردد.

نقش سازمان پزشکی قانونی در اطاله دادرسی

پزشکی قانونی یکی از سازمانهای زیر مجموعه قوه قضائیه می باشد که حسب دستورات و استعلامات قضات مکلفند به موضوعی که به ایشان ارجاع می گردد با دقت و توجه خاصی بررسیهای لازم را معمول و نتیجه را به قاضی اعلام نماید. تقریباً می توان گفت در بعضی موارد همان ایراداتی که بر کانون کارشناسان و خود کارشناسان وارد است بر عملکرد سازمان پزشکی قانونی کشور و به تبع آن اداره کل پزشکی قانونی استان نیز وارد است که و از تکرار آنها خودداری می شود. می توان گفت خلاصه خدماتی که اکنون از سوی سازمان پزشکی قانونی به مردم ارائه می شود عبارتند از: ((معاینات عمومی شامل تصادفات، نزاع، رشد جسمانی تعیین سن، بررسی گواهی استعلاجی، حوادث کار، نقص عضو، نقص زیبایی، تعیین خودزنی و دیگر زنی با سلاح سرد و گرم و تعیین ابوت، از کار افتادگی، معاینات استخدامی و رسیدگی به تخلفات پزشکی، معاینات روان پزشکی شامل فرزند خواندگی، حضانت، تعیین محل نگهداری، قدرت تنظیم اسناد، جنون و اختلال حواس، تعیین قدرت اداره مالی، تعیین مسئولیت کیفری، انحرافات جنسی، عوارض ناشی از ضربه، عقب ماندگی ذهنی و رشد روانی معاینات اختصاصی مردان و زنان و معاینات اجساد شامل تعیین علت فوت، آزمایش سم شناسی و آسیب شناسی)) (رهبر طارمیری، مرتضی - مجله ارش - شماره ۸ سال ۱۳۸۲ - ص ۱۶).

با توجه به حجم وظایف محوله به سازمان پزشکی قانونی از نظر کمی و از لحاظ تخصصی نیاز به امکانات ویژه ای از جمله نیروی انسانی متخصص و تکنولوژی پیشرفته می باشد و بسیاری از وظایف این سازمان نیازمند به اظهار نظر متخصصین مختلف و امکانات آزمایشگاهی پیشرفته می باشد و در غالب موارد ادارات پزشکی قانونی غیر مرکز به ناچار مجبور به ارسال نامه ها یا اعزام افراد به پزشکی قانونی تهران هستند و به جهت تمرکز کلیه کارهای ارجاعی به مرکز بسیاری از پرونده ها معطل و منتظر اعاده نتایج آزمایشات و اظهار نظرهای تخصصی و فوق تخصصی از مرکز هستند مثلاً برخی موارد «جواب قطعی علت مرگ دو تا سه ماه بعد از تهران عودت می شود» (همان منبع ص ۱۶) و متأسفانه در تمام رشته های پزشکی و تخصص

های مورد نیاز در غالب استان ها به طریق اولی شهرستان ها کمبود وجود دارد و دعوت از متخصصان خارج از سا زمان نیز مشکلات خاص خود را دارد و به سهولت تحصیل نظر آنها مقدور نبوده و نظرات آنها با تعلق و تأخیر قابل توجهی واصل می شود. پزشکان اخیر الذکر با کلیه موازین ومقررات پزشکی قانونی و اوضاع و احوال و فضای کار با ارباب رجوع محاکم قضایی و ترفند ها و حرکات مرسوم به آنها آشنا نیستند. در مراکز پزشکی قانونی کلیه تجهیزات و آزمایشگاههای مجهز موجود نیست و ناچاراً ارباب رجوع برای آزمایش و عکس برداری و بسیاری موارد دیگر نزد مراکز تشخیصی خارج از سازمان اعزام می شوند که متاسفانه اعمال سلیقه های شخصی و قصورات و بیم فریب آن مراکز از سوی ارباب رجوع بزهکار متصور است که موجب اعتراض و کارشکنی سایر ارباب رجوع دادگستری ها شده و مانع از سرعت در رسیدگی ها و حل و فصل به موقع دعاوی می شود و هزینه های بیشتری نیز بر مراجعین تحمیل می شود و احتمال جعل و دست کاری و تقلب در نتایج حاصله متصور است. یکی از مشکلات فعلی معطل شدن بسیاری از پرونده ها به علت عدم اعلام نظر نهایی در مورد ضایعات جسمی و روانی ناشی از ضرب و جرح ها است که دائماً در طول درمان ها تمدید می شود و به یک قدر متیقنی برای هر مورد اکتفا نشده و سالها ارباب رجوع منتظر اعلام نظر پزشک قانونی می مانند.

نقش ضابطین دادگستری در اطاله دادرسی

بر کسی پوشیده نیست که ضابطین دادگستری نقش اساسی و بسیار مهمی در عملکرد قوه قضائیه و مخصوصاً دادگاهها و دادرهای دادگستری دارند. به نحوی که گفته می شود ضابطین بازوی اجرایی دستگاه قضایی می باشد، به همین جهت لازم است بر نحوه عملکرد ایشان و چگونگی اجرای دستورات قضایی نظارت دقیق و مدیریت آگاهانه ای اعمال می شود. مخصوصاً که قانونگذار نظارت و تعلیمات ایشان را در اختیار قضات قرار داده است بدین نحو ماده ۲۸ ق. آ.د. مقرر می دارد:

«ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، آثار و علایم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات به موجب قانون اقدام می کنند.» ملاحظه می گردد ضابطین دادگستری در تمام مراحل دادرسی به شرحی که در ماده فوق ذکر شد نقش اساسی دارند. فلذا باید گفت اگر به خوبی وظایف خود را انجام دهند نتیجه کار دادرسی مثبت و اگر به هر نحو از انجام وظایف خودداری کرده یا به نحو شایسته دستورات قضایی را عملی نمایند، نتیجه تلاش و زحمتهای قضات مخدوش خواهد بود. چون هم اکنون در مقام بیان عملکرد مثبت و موثر ضابطین دادگستری نمی باشیم از توضیح بیشتر در این خصوص خودداری کرده و به ذکر بعضی از اشکالات و ایرادات واراده بر ضابطین می پردازیم که در اطاله دادرسی نقش مؤثر دارند.

۱- عدم تفکیک ضابطین قضائی از پلیس اداری و غیره و در نتیجه در حال حاضر کلیه نیروهای انتظامی ضابط هستند و هیچ کدام نیز مسئول و پاسخگو به معنای واقعی نیستند.

۲- عدم دخالت دستگاه قضائی در عزل و نصب ضابطین و ارتقاء یا تنزل درجه آنها و به طور کلی رابطه واقعی آمر و مأمور بین دستگاه قضائی و نیروی انتظامی وجود ندارد و صرف ماده ۳۲ در قانون آ.د.ک دادستان بعنوان رئیس ضابطین دادگستری به هیچ وجه مفید منظور و مقصود نبوده و سبب وادار نمودن این ضابطین به تمکین کامل از دستورات قضائی نمی شود.

۳- برای نظارت و کنترل عملکرد نیروی انتظامی توسط مقامات قضائی برنامه و نظامنامه مدون و هدفمندی وجود ندارد و جز با شکایت ارباب رجوع اقدام علیه آنها به ندرت از سوی دستگاه قضایی صورت می گیرد و از این رو ارباب رجوع نیز چاره ای جز تسلیم در مقابل نحوه عملکرد و تأخیر و تعللهای نیروی انتظامی ندارد.

۴- نیروی انتظامی فعلی به هیچ وجه آموزش کافی و لازم را برای اجرای دستورات قضائی ندیده اند و به همین دلیل غالباً برداشت درستی از نظر قاضی و دستورات صادره از طرف او ندارد از این رو پرونده ها مکرراً بین تشکیلات قضائی و نیروی انتظامی در رفت و برگشت می باشد که اسباب دخالت افراد غیر صالح نیز فراهم می گردد.

۵- تاکنون مقررات خاصی جهت چگونگی اجرای دستورات قضائی از سوی این نیرو تدوین نشده و برای هر پرونده مامور و افسر مشخص تعیین نمی شود و در یک پرونده متاسفانه مامورین متعدد با تجربیات و ذهنیات متفاوت اقدام می نمایند و قضایا را پیچیده نموده و سبب تأخیر در دادرسی می شوند.

راهکار های موثر در رفع اطاله دادرسی در استان و در سطح کلان

اجرای طرح جامع رفع اطاله دادرسی و دستورالعملهای رئیس قوه قضائیه در استان

همچنانکه اشاره شد اطاله دادرسی در دادگاه های دادگستری نه فقط در استان بلکه در تمام دادگستری های کشور به عنوان یک معضل فراگیر، بر روند دادرسی ها سایه افکننده و ضمن آن که موجب ایراد خسارت و تضییع حقوق صاحبان حقی میگردد که برای مطالبه و یا استیلائی حقوقشان که من غیر حق در ید و تصرف دیگران می باشد، به ناچار به دادگاه های دادگستری مراجعه می نمایند. تلاشها و خدمات صادقانه و شبانه روزی همکاران محترم قضایی و اداری شاغل در دادگاه ها و سایر قسمت های قوه قضائیه را هم در استان و هم در کل کشور تحت الشعاع خود قرار داده است. این مشکل مدت ها است که مورد توجه متصدیان امر قضاء هم در شهرستان ها و هم استان ها و هم در بین مجموعه مدیریتی قوه قضائیه مخصوصاً رئیس، معاونین، کارشناسان مربوطه و سایر صاحب نظران این قوه بوده و می باشد. به همین منظور و در جهت رفع آن از سالها قبل تلاشها و فعالیتهای زیادی انجام گرفت و تغییرات و اصلاحاتی هم در مدیریت ها و هم در قوانین مخصوصاً قوانین شکلی صورت گرفت که می توان گفت یکی از مهم ترین اقدامات و تغییرات در دهه دوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تصویب و وضع قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و حذف دادرسی های عمومی و انقلاب بود که با تلاش و پیگیری رئیس وقت قوه قضائیه در تیر ماه ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و متعاقب تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، قوانین آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری نیز تغییراتی را در پی داشت که نهایتاً تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۵ بسیاری از نواقص و مشکلات را مرتفع نمود.

استان کهگیلویه و بویراحمد از اولین استانهایی بود که قبل از سایر استان ها، این قانون را همزمان در کل استان اجرا کرد، جالب است که قانون مزبور با همان انگیزه ای که به تصویب رسید در فاصله زمانی کوتاهی (حدود هشت سال)، دست خوش تغییرات و اصلاحات عمده و اساسی گردید، هدف و انگیزه اصلی از تصویب قانون ذکر شده و حذف دادرسی ها، ارجاع مستقیم دعاوی جزایی به قاضی محکمه و در نتیجه جلوگیری و رفع اطاله دادرسی بود، لیکن رئیس جدید قوه قضائیه، حذف دادرسی ها را خلاف اصل استقلال و بی طرفی قضاوت محاکم و همچنین موجب اطاله بیشتر در رسیدگی ها تلقی می نمود و با پیگیری وی و تصویب مجلس شورای اسلامی ضمن احیاء دادرسی ها، تغییرات کلی در آن قانون داده شد اما مشکل حل نشد و معضل همچنان به قوت خود باقی ماند.

اهم اقدامات دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد برای اجرای طرح جامع رفع اطاله دادرسی رئیس قوه قضائیه

حال که کلیاتی از دستورالعملهای چهار گانه رئیس قوه قضائیه را تحت عنوان طرح جامع اطاله دادرسی ذکر کردیم، لازم است اقدامات دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد را در راستای اجرای مفاد این دستورالعملها بیان نماییم ولیکن از آنجائیکه اقدامات صورت گرفته شده مفصل می باشد و ذکر همه آن موارد و توضیح و تشریح چگونگی اجرای آنها از حوصله بحث ما خارج است، از بیان توضیحات خودداری نموده و فقط رئوس اقدامات مزبور را به شرح زیر ذکر می نماییم و در گفتارهای بعد بعضی از آن اقدامات را به تفکیک موضوع و مشروحاً تشریح نموده و حتی المقدور نتیجه اقدامات را هم بیان خواهیم کرد.

۱- تشکیل و تقویت واحد ارشاد و معاضدت قضایی

۲- ساماندهی و آموزش عریضه نویسان و استفاده بیشتر از فارغ التحصیلان حقوق

۳- نظارت بر مشاوران املاک و خودرو

۴- وکالت انفاقی

۵- وکالت معاضدتی

- ۶- استقرار نماینده کارشناسان رسمی در کانونهای مربوطه
- ۷- استقرار نماینده کانون وکلاء
- ۹- استقرار نماینده ثبت اسناد در اداره متبوع
- ۱۰- تعامل نیروی انتظامی و معرفی رابط
- ۱۱- معرفی رابطادارات زندان
- ۱۲- استقرار کانون وکلای قوه قضائیه (مرکز مشاورین و کارشناسان ماده ۱۸۷) در مرکز استان
- ۱۳- ایجاد دفتر نهادهای شبه قضایی
- ۱۴- تهیه و نصب تابلوهای متعدد مرتبط با دستورالعمل
- ۱۵- تهیه و نصب فهرست نهادهای شبه قضایی در ۴۵ عنوان با مختصری از وظایف و مستندات قانونی
- ۱۶- ارسال و نصب بروشورهای حقوق شهروندی به واحدهای ارشاد و شعب شورا جهت راهنمایی درست و سریع مردم

ضرورت استفاده از فن آوریهای جدید در استان

در راستای استفاده از فن آوری های نوین در قوه قضائیه در سال های اخیر با اتخاذ تدابیر و تأمین هزینه های لازم طرح عظیم ایجاد سیستم مدیریت پرونده قضایی «سمپ» در دادگستری ها و سیستم های مرتبط در ادارات تابعه اعم از پزشکی قانونی، سازمان زندان ها و سازمان ثبت اجرا گردید. با اجرای این طرح که تاکنون بارها با رفع اشکالات نسخ قبلی در حال ارتقا می باشد مقدمات اولیه خدمات الکترونیک قضایی و گذر از پرونده سنتی به پرونده الکترونیکی فراهم شده است؛ که این امر از مراحل اولیه تقدیم دادخواست و شکوائیه در دفاتر خدمات قضایی شروع و پس از طی مراحل، ارجاع، رسیدگی، اجرای حکم، راکد سازی به پالایش پرونده های ضروری و غیرضروری و تبدیل آنها به اسناد الکترونیکی ختم می شود. در همین راستا علاوه بر دستورالعمل های مربوط به استفاده از سیستم مدیریت پرونده قضایی دو آئین نامه ی مهم توسط رئیس محترم قوه قضائیه صادر و ابلاغ شده است که اولی آئین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۳۹۱/۳/۲۲ می باشد که به موجب آن دفاتر خدمات قضایی ایجاد و شکوائیه ی و دادخواست از طریق درگاه خدمات قضایی ارسال و متعاقباً امر ابلاغ اوراق و تشکیل جلسات انجام می شود و آئین نامه ی نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۵ می باشد که در اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ ق.آ.د.ک صادر و به موجب آن سامانه مدیریت خدمات قضایی «سمپ»، سامانه خدمات الکترونیک قضایی «سحا»، شبکه ملی عدالت، سامانه ثبت نام الکترونیک «ثنا» و سامانه ابلاغ ایجاد گردیده است در همین راستا حساب کاربری که عبارت از یک نشان الکترونیکی است به هر یک از مراجعان قوه قضائیه اختصاص می یابد و طرح شکایت و دعوی، ارجاع پرونده، ابلاغ الکترونیکی، نیابت قضایی و ... از طریق این سامانه انجام می شود. همچنین اجرای آئین نامه جدید دادرسی الکترونیکی که در قالب بخش نهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ارائه شده و هدف آن ایجاد مرکز ملی داده های قوه قضائیه می باشد، ساماندهی پرونده ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردشکار قضایی در سراسر کشور و همچنین آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرایم، متهمان، بزه دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی مدنظر قرار گرفته است.

ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی

تسریع در امر ابلاغات دادگستری شامل اوراق اخطاریه، احضاریه، دادنامه ها تأثیر مهمی در امر رفع اطلاع دادرسی و افزایش رضایتمندی ارباب رجوع دارد. همه روزه تعداد کثیری اوراق قضایی وارد دایره ابلاغات می شود، پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات اقتضا دارد با استفاده از بستر و زیر ساخت های فراهم شده امر ابلاغ اوراق قضایی را تسریع بخشد. در این طرح با استفاده همزمان از سه روش وب سایت، پست الکترونیکی (Email) و سرویس پیام کوتاه (sms) همچنین روشهای دیگری از قبیل استفاده از نمابر و کیوسک های اطلاع رسانی از اطلاع مخاطب نسبت به اوراق ابلاغ اطمینان حاصل میشود؛ اما ممکن

است شبهه عدم انطباق موضوع با مقررات جاری و فقدان مقررات ابلاغ الکتریکی مطرح شود که این طرح سعی دارد به این موارد نیز با استفاده از قوانین و مقررات جاری پاسخ گوید.

الف- مستندات قانونی ابلاغ الکترونیکی

ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن ... با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی را بلامانع قلمداد نموده بنابراین تردیدی نیست چنانچه طرق اطمینان بخش جدیدی برای ابلاغ الکترونیکی پیش بینی شود اینگونه ابلاغ قانوناً منوط اعتبار خواهد بود.

ماده ۸۳ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ می گوید: «در کلیه مواردی که بموجب مقررات این مبحث اوراق به غیر شخص مخاطب ابلاغ شود در صورتی دارای اعتبار است که برای دادگاه محرز شود که اوراق به اطلاع مخاطب رسیده است» از مفاد ماده فوق چنین مستفاد می شود که قانونگذار به مقوله «اطلاع مخاطب» عنایت خاصی داشته لذا چنانچه غیر از طرق مندرج در مواد ۶۷ تا ۸۲ قانون آئین دادرسی مدنی بر دادگاه محرز شود مخاطب از موضوع ابلاغ مطلع شده اوراق ابلاغ شده تلقی خواهد شد. ماده ۹ قانون حمایت خانواده ابلاغ اوراق از طریق پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک در صورت اعلام طرفین دعوی را مورد پذیرش قرار داده است.

ب- شیوه ابلاغ الکترونیکی

هنگامی که فرد برای تقدیم شکوائیه یا دادخواست به دفاتر خدمات الکترونیکی، دادسرا، دادگاه یا شورای حل اختلاف مراجعه می نماید در اجرای آئین نامه های فوق الذکر کاربران مربوطه اقدام به ثبت نام وی در سامانه (ثنا) می نمایند «ماده ۱۱ آئین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی اذعان دارد اشخاص ذی سمت یا مرتبط از قبیل متهم، خواننده، وثیقه گذار، کفیل، شاهد و داور موظفند نسبت به ثبت نام در سامانه ثنا و دریافت حساب کاربری اقدام کنند. واحدهای قضایی قبل از هرگونه اقدام قضایی باید ایشان را برای ثبت نام به دفاتر خدمات قضایی دلالت کنند و در صورت فوریت رأساً نسبت به ثبت نام آنان اقدام نمایند». متعاقباً با صدور ابلاغیه پیامکی به منظور مراجعه به سایت و چاپ ابلاغیه به تلفن همراه شخص ارسال می شود و طبق مفاد ماده ۸ آئین نامه خدمات الکترونیک قضایی مصوب ۱۳۹۱ «پس از ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی خواننده یا مشتکی عنه در صورتی که وی از طریق ورود به پایگاه مربوط و پس از احراز هویت از طریق امضای دیجیتال در جریان ابلاغ قرار گیرد ف ابلاغ به وی واقعی و درغیراین صورت ابلاغ قانونی خواهد بود» تبصره ۲ ماده ۷ همین قانون اشعار دارد در صورتی که خواننده یا مشتکی عنه یا مخاطب در بازداشتگاه یا زندان باشد اوراق به آدرس الکترونیکی یا ارتباطی اداره زندان یا بازداشتگاه ارسال می شود تا به وسیله اداره زندان کتباً به نامبرده ابلاغ گردد. وفق تبصره ۱ ماده ۱۰ آئین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ «اختصاص حساب کاربری برای اشخاص حقوقی با درخواست بالاترین مقام اجرایی یا نماینده قانونی آن خواهد بود.» و به موجب ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر «وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می شود. رؤیت اوراق قضایی در سامانه ابلاغ با ثبت زمان و سایر جزئیات، ذخیره می شود و کلیه آثار ابلاغ واقعی بر آن مترتب می گردد. ورود به سامانه ابلاغ از طریق حساب کاربری و رؤیت اوراق از این طریق به منزله رسید است.»

در شرایط فعلی و تا تثبت مقررات موضوع آئین نامه های فوق الذکر ابلاغات به طور همزمان و حداقل به چند روش زیر انجام می شود:

۱- وب سایت

۲- پست الکترونیکی

۳- سرویس پیام کوتاه یا SMS

۴- استفاده از کیوسک های اطلاع رسانی

برنامه های عملیاتی دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد در سنوات اخیر

الف- تشکیل شوراهای حل اختلاف در تمامی شهرستانهای استان

موضوع شوراهای حل اختلاف حسب مفاد ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ تصویب و قانون شورای حل اختلاف قانون شوراهای حل اختلاف در تاریخ ۸۷/۲/۲۹ و قانون اخیر در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۹ به تصویب شورای نگهبان رسید. با تشکیل شورای حل اختلاف در کلیه ی شهرها، بخش ها، دهستان ها و اکثر روستاها و برخی ادارات و نهادهای مرتبط اعم از بیمه، راهنمایی و رانندگی و... در سطح استان شاهد تأثیر چشم گیری در کاهش اطاله دادرسی به تبع صلح و سازش و تعدیل توقعات بوده ایم. البته نگارنده در خصوص صدور رأی در شورای حل اختلاف ملاحظاتی دارد که در بخش های آتی به آن اشاره خواهد شد.

ب- تشکیل کمیته رفع اطاله دادرسی در مرکز و شهرستانهای استان

یکی از اقدامات موثر در شناسایی علل اطاله دادرسی و بررسی و اعلام راهکارهای رفع اطاله دادرسی در محاکم، تشکیل کمیته رفع اطاله دادرسی در قوه قضائیه و به تبع آن استانها و شهرستانهای هر استان می باشد؛ اما اینکه این کمیته متشکل از چه کسانی باشند و چگونه در رفع اطاله دادرسی موثر هستند مسئله ای است که بذل توجه به آن می تواند در کیفیت کار کمیته آثار فراوانی داشته باشد، مسمماً اعضای کمیته می بایست افرادی باشند که هم از علم و دانش قضایی خوبی برخوردار باشند و هم شهامت و جسارت بیان واقعیت را داشته باشند و هم از سابقه قضایی، تجاربی آموخته باشند همچنانکه هر گروه تحقیقاتی نیاز به امکانات و لوازم کاری دارند این کمیته نیز برای دستیابی به اهداف خود نیازمند فرصت کافی و امکانات مادی و مالی و حمایتهای معنوی رئیس قوه و معاونین وی می باشد. خوشبختانه چند سالی است که این کمیته در قوه قضائیه و کلیه استانها تشکیل گردیده و با حمایت رئیس قوه قضائیه تحقیقات وسیعی را معمول داشته و نتایج خوبی هم حاصل شده است که از جمله نتایج عملکرد این کمیته می توان به موارد مصرحه در دستورالعمل های رئیس قوه قضائیه اشاره کرد که تحت عنوان طرح جامع رفع اطاله دادرسی تهیه و تنظیم و برای اجرا به استانها ارسال گردیده است. منظور اینکه شناسایی علل اطاله دادرسی و ارائه راهکارهایی که در جهت رفع آن علل در دستورالعملهای چهار گانه رئیس قوه قضائیه آمده است نتیجه تلاشها و تحقیقات این کمیته در مرکز و زیر مجموعه های آن در استانها می باشد. «از تکرار مجدد آن موارد و چگونگی آثار آن موارد در رفع اطاله دادرسی خودداری می شود در صورت نیاز و ضرورت به دستورالعمل های مذکور مراجعه شود»

در دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد در اوایل سال ۱۳۸۳ کمیته ای تحت عنوان کمیته کنترل آمار تشکیل شد که به بررسی موانع و علل اطاله دادرسی و رفع آنها می پرداخت. این کمیته که بعداً به نام کمیته رفع اطاله دادرسی فعالیتهای خود را ادامه داد و هر هفته حداقل یک نشست برگزار نموده و در هر نشست مصوباتی داشته و از نتایج خوبی برخوردار بوده است. از نتایج فعالیتهای و اقدامات این کمیته کاهش اوقات رسیدگی به پرونده ها می باشد. چیزی که تأکید بر آن لازم است تداوم و تقویت این کمیته در دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد تا هم دستورالعمل های رئیس قوه قضائیه و هم مقررات آئین دادرسی به خوبی اجرا و رعایت شود و هم به تحقیقات خود به نحوی وسیع تر و جامع تر ادامه داده و ایراد و اشکالات دیگر و همچنین راهها و طرق علمی تر و فنی تر را شناسایی و معرفی نموده و به کار گیرند تا جائیکه این معضل به طور کلی مرتفع گردد.

ج- تشکیل معاونت پیشگیری از وقوع جرم و ستاد حفاظت اجتماعی

همانگونه که می دانیم همواره پیشگیری بر درمان مقدم است و بزرگترین راه توسعه قضایی شاید توجه جدی به این مسأله باشد. پیشگیری علاوه بر آنکه نقش سازنده تری در سالم سازی فردی و اجتماعی دارد، به لحاظ هزینه های مربوطه نیز بسیار کم خرج تر از درمان است. بدیهی است این گونه تئوریهای علمی در زمینه پیشگیری هنگامی به موفقیت می انجامد که یک سیستم جدید در بطن قوه قضائیه برای پیگیری این امر مهم و تحقق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تحت عنوان معاونت عالی پیشگیری از وقوع جرائم تأسیس و بنیانگذاری شود تا در زمینه مطالعات و تحقیقات که در اصل همان رسیدن به تئوری شناخت جامعه و پیشگیری قبل از مبتلا شدن می باشد گام بردارد. واضح و مبرهن است که ایجاد معاونت پیشگیری از وقوع جرم در قوه قضائیه و ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق این هدف، زمانی می تواند مثمر ثمر باشد که هماهنگی و همدلی سایر قوای مقننه و مجریه را نیز به همراه داشته باشد. چرا که ریشه بسیاری از جرائم و ناهنجاریهای اجتماعی به عواملی بر می گردد که حل و اصلاح آن در چارچوب وظایف قوه قضائیه نبوده و غالباً از وظایف دستگاه اجرایی کشور به شمار می رود و در مواردی نیز قوه مقننه می تواند راه گشای حل معضلات قانونی و اصلاح و تغییر سیاست جنائی باشد.

د- تشکیل و تقویت واحدهای نظارت و ارزشیابی قضات و حفاظت و اطلاعات دادگستری استان و بازرسی های دوره ای از مراجع قضایی استان

در گفتار اول از فصل دوم مطالبی راجع به نقش مدیریت و عوامل نظارتی در اطلاع دادرسی ذکر کردیم. در آنجا از اهمیت و ضرورت نظارت بر عملکرد قضات توضیحاتی داده شد. حال در اینجا سعی داریم به بیان وظایف و چگونگی عملکرد هیأت‌های اعزامی از سوی واحد نظارت و ارزشیابی قضات و خلاصه‌ای از اقدامات واحدهای نظارت و ارزشیابی قضات و حفاظت و اطلاعات دادگستری استان بپردازیم.

واحد نظارت و ارزشیابی قضات استان

با تشکیل معاونت نظارت و ارزشیابی دادرسی انتظامی قضات آن بخش از وظایف دادرسی انتظامی قضات که بازرسی از واحدهای قضائی و نظارت مستمر بر واحدهای قضائی می باشد شکل منظم و شایسته ای بخود گرفت.

نگاه سیستمیک به مقوله نظارت و ارزشیابی باعث شد واحدهای نظارت و ارزشیابی در مراکز استانها تشکیل گردد. متعاقب آن تشکیل هیأت‌های نظارت و ارزیابی زیر نظر ریاست دادگستری استانها بر اساس آئین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات نگاه روسای کل دادگستریها را نسبت به مقوله نظارت و ارزیابی متحول کرد و انجام نظارت مستمر بوسیله مسئولین قضایی را موجب گردید. هیأت‌های نظارت و ارزیابی کهگیلویه و بویراحمد از بدو تشکیل تا کنون با تدوین جدول زمان بندی به توفیقات عمده ای در زمینه امور نظارتی و ارزشیابی نائل آمده که اهم اقدامات هیأت‌های نظارت و ارزیابی عبارتند از:

الف- شناسایی توانمندیها و استعدادهای نهفته پرسنل قضایی و تلاش جهت باروری توان بالقوه آنان.

ب- استفاده از توان کارشناسی هیأتها در جهت نقل و انتقالات قضات بر اساس تواناییهای علمی و عملی و کارایی.

ج- استفاده از توان کارشناسی هیأتها برای تشویق قضات یا اتخاذ روش های تنبیهی.

د- روش مند شدن و ضابطه مند شدن تغییر پست ها به تناسب و فراخور شاخصه هایی مانند شم مدیریت دانش قضایی و سایر پارامترها.

ه- شناسایی عوامل نامطلوب و تلاش در جهت آموزش و بهبود وضعیت آنها و یا طرد آنها در صورت عدم توفیق برای اصلاح.

نتیجه گیری

تحقیقات و استماع اظهارات مراجعین به دادگستری و اطلاعات شخصی حکایت از آن دارد که معضل اطلاع دادرسی در دادگاههای دادگستری چه در کل کشور و چه در استان کهگیلویه و بویراحمد واقعیتی انکار ناپذیر است و مشکلی است که نه فقط مردم و قضات و کارکنان دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد بلکه مردم تمام شهرستانها و استان های دیگر این کشور از وجود آن گله مند بوده و رنج می برند؛ اما همچنان که در شهرستانهای یک استان ممکن است شدت و ضعف داشته باشد در استانهای مختلف هم بنا به علل و جهاتی از جمله فرهنگ و آداب و رسوم، عرف، پای بندی مردم به اعتقادات دینی و مذهبی و وضعیت اقتصادی و معیشتی و بیکاری و یا اشتغال افراد و همچنین موقعیت جغرافیایی استانها از جهات مختلف و همین طور تعداد دادگستریها و قضات آن شهرستانها و ... ممکن است اطلاع دادرسی کمتر یا بیشتر نمود داشته باشد. با این توجه و عنایت

به این که این معضل حقیقتی است که وجود دارد بر آن شدیم که در این تحقیق علت بروز ظهور این پدیده زیانبار که می تواند موجبات ایجاد ناهنجاری های اجتماعی متعددی را فراهم آورد را شناسایی کرده و در جهت رفع آن تلاش نماییم. ماحصل این تحقیقات به طور خلاصه این است که اولاً عوامل مختلف و متعددی در اطلاع دادرسی نقش دارند. ثانیاً این عوامل صرفاً ناشی از ضعف تشکیلات قضایی نمی باشد، بلکه سایر قوا و همچنین نهادها و سازمانهای غیر دولتی و خصوصی و همینطور مردم و اصحاب دعوی در این پدیده نقش دارند. ثالثاً نه فقط اصحاب دعوی از این وضعیت ضرر و زیان می بینند و ناراضی هستند بلکه سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین قضات و کارکنان دادگستری و ... از چنین وضعیتی در عذاب هستند. رابعاً برای رفع این مشکل شناخت علل و عوامل موثر در ایجاد آن کافی نیست بلکه باید راهکارهای موثر را شناسایی و معرفی و به کار گرفت. خامساً این راهکارهای موثر را نه فقط قوه قضائیه بلکه همه عوامل ذی ربط باید به کار گیرند و هیچ کس دیگری را مسئول معرفی نکند و خود را مبرای از مسئولیت بداند و یا آن که به اقدامات جزئی بسنده نماید.

اما اینکه هر کدام از عوامل چه نقشی در ایجاد اطلاع و یا رفع آن دارند و چگونگی تأثیر عوامل ذیربط موضوعی است که لازم است مختصراً و به تفکیک ذکر گردد. از آنجایی که اکثریت مردم فکر می کنند علت اصلی و یا علت العلیل این مشکل به خاطر ضعف تشکیلات قضایی می باشد. در این تحقیق ابتدا به ذکر مواردی پرداختیم که به قوه قضائیه و دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد مربوط می باشد و به این نتیجه رسیدیم که هم عوامل انسانی از جمله قضات و سایر کارکنان اداری و مدیریتی در ایجاد اطلاع دادرسی موثر هستند و هم عوامل غیر انسانی از قبیل وسایل تجهیزات اداری و اجرایی و امور مالی و فضاهای اداری و ... در بحث عوامل انسانی نقش دانش قضایی و اداری، شم قضایی و مدیریتی قضات و کارکنان و انگیزه کاری و احساس مسئولیت ایشان را موثر دانستیم. راهکارهای مفید را آموزشهای مستمر و موثر علمی و عملی و توجه به مشکلات و خواسته های عوامل انسانی و مدیریت صحیح مدیران ارشد و اجتناب از تبعیض ها و نظارت های صحیح و همچنین تشویق و تنبیه های متناسب و موثر و ... ذکر کردیم.

راجع به نقش قوای مقننه و مجریه به مواردی از ایرادات وارده بر قوانین و یا نقص و خلاءهای قانونی و همچنین عدم آگاهی مجریان قوانین و عدم اجرای صحیح دستورات یا احکام قضایی به عمد یا غیر آن اشاره کردیم. ذکر کردیم که لازم است در تهیه و تنظیم طرحها و لوایح قانونی توجه و دقت عمل بیشتری معمول گردد. بعضی از قوانین اصلاح و بعضی احیاء و بعضی دیگر حذف شوند. ایرادات و اشکالاتی بر وضعیت موجود و نحوه عملکرد نهادهایی مانند کانونهای وکلاء، کارشناسان رسمی دادگستری، سازمان پزشکی قانونی و ضابطین دادگستری وارد است که به برخی از آن موارد اشاره شد و در جهت رفع آنها پیشنهادهای داده شد. ذکر این نکته لازم است که اجرای کامل طرح جامع رفع اطلاع دادرسی و دستورالعمل های رئیس قوه قضائیه می تواند تا حدود زیادی به رفع این مشکل کمک نماید. نهایتاً باید به این موضوع اعتراف کرد که اگر چه هم در مجموعه ستادی قوه قضائیه و هم در استان کهگیلویه و بویراحمد تلاشهای مفید و موثری انجام گرفته است اما این تلاشها کافی نیست و تلاش در رفع این معضل را باید مضاعف کرد.

راهکارها و پیشنهادات

۱- در دعوی مربوط به اعسار از هزینه دادرسی که پس از قطعیت حکم رد اعسار می بایست به خواهان جهت رفع نقص اخطار شود، پیشنهاد می شود قانون به گونه ای اصلاح شود که مدعی اعسار ظرف مدت معین به عنوان مثال سه روز پس از ابلاغ دادنامه قطعی رد اعسار موظف به الصاق هزینه شود و نیازی به ارسال اخطار رفع نقص نباشد.

۲- رویه ی موجود در اکثر دادگاههای کشور از جمله دادگاههای استان به این منوال که پس از ابلاغ اجرائیه حقوقی می بایست توقیف اموال انجام شود از عوامل جدی اطلاع در این مرحله است چراکه در فرم اجرائیه تذکر داده شده محکوم علیه چنانچه اموالی دارد ظرف ده روز معرفی نماید و به نظر می رسد عدم اقدام محکوم علیه ظرف ده روز کفایت می کند و می بایست صرفاً در صورت درخواست محکوم له جهت توقیف اموال اقدام شود والا دایره ی اجرای احکام در تعاقب ابلاغ اجرائیه و در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی نسبت به جلب محکوم علیه اقدام نماید.

۳- شایسته است ضمن اصلاح قوانین مرتبط رویه ای اتخاذ شود که در برخی دعاوی از جمله نفقه که دارای جنبه حقوقی و کیفری می باشند امکان طرح دعوی حقوقی به تبع امر کیفری یا بالعکس وجود داشته باشد و به هر دو جنبه ترجیحاً در دادگاه خانواده به صورت توأمان رسیدگی شود، حتی در خصوص سایر مجازات های مندرج در قانون حمایت خانواده که رسیدگی به دادرسی محول شده، اقدام مشابه متصور است.

۴- از جمله عوامل اطاله دادرسی در دعاوی حقوقی ارجاع کارشناسی به هیات ها و دستور دادگاه جهت تقدیم نظریه تکمیلی کارشناس می باشد. طبق رویه ی تجربه شده که مورد قبول اکثریت قضات می باشد به نظر می رسد در صورت هماهنگی نظریه ی کارشناس واحد و هیات سه نفره جز در موارد معدود نیازی به ارجاع کارشناسی به هیات های بالاتر نباشد بعلاوه می بایست قرار کارشناسی از حالت فرم های آماده خارج شده و قضات حسب مورد تکالیف کارشناس را دقیقاً احصا و آموزش های لازم نیز به کارشناسان داده شود تا نیازی به نظریه ی تکمیلی وجود نداشته باشد.

۵- با برنامه ریزی دقیق و نظر خواهی از همه دست اندرکاران، بسته های آموزشی برای قضات و کارکنان شاغل در قسمتهای مختلف (دادسرا و دادگاه و دادگاه های تجدید نظر) بموقع ارسال و پس از برگزاری آزمون، برای نمرات تحصیل شده امتیازات خاص آموزشی ملحوظ و موضوع نیز به اطلاع مخاطب آموزش قرار گیرد.

۶- از شیوه های نوین و به روز مانند اینترنت برای آموزش کارکنان بهره گرفته شود.

۷- جلساتی برای بحث پیرامون موضوعات تخصصی کیفری (دادسرا، عمومی جزائی، انقلاب و نظامی) و مدنی (مدنی خاص، تجاری و ...) تشکیل و مباحث مطروحه در کمیته ها و کمیسیونهای خاصی از قضات مشغول در شعبات مربوطه مورد نقد و بررسی و سپس جمع بندی و به اداره آموزش استان جهت ارسال به معاونت آموزش قوه قضائیه برای بهره مندی سایر کارکنان به کلیه مراجع قضائی مربوطه فرستاده شود.

۸- از اساتید نخبه حوزه و دانشگاه در رشته های مختلف مربوط اعم از دینی، اخلاق، اجتماعی و همچنین از قضات مجرب و دارای مدارک علمی تحصیلات تکمیلی برای تدریس و آموزش کارکنان دعوت گرفته شود.

۹- باز آموزی مطالب، متون، مواد قانونی و آراء وحدت رویه ای که مبتلا به کار قضائی و اداری (دفتری) می باشد به طور منظم و مرتب در زمانهای خاصی از سال برای کارکنان انجام گیرد.

۱۰- مواد قانونی، آئین نامه، تصویب نامه های جدید التصویب، آراء وحدت رویه و فتاوی معتبر و نظریات مشهور و نظریات جدید اداره حقوقی قوه قضائیه به صورت کارگاهی مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

برگزاری جلسات مذکور آثار زیر را در پی دارد:

الف- ابهامات و شبهاتی که در جریان رسیدگی با آن مواجه می شوند مورد بحث و تبادل نظر قرار می گیرد.

ب- قضات با سابقه کمتر از تجربه قضات با سابقه بیشتر بهره مند می شوند.

ج- چنانچه یکی از آنها از تصویب قانون و صدور رأی وحدت رویه جدید یا فتاوی معتبر و نظریات اداره حقوقی آگاه شود به اطلاع سایرین می رساند.

د- پرونده هایی که از پیچیدگی خاص برخوردارند و یا افکار عمومی نسبت به آنها حساسیت دارد با تأمل و دقت بیشتر و مشورت همکاران قضائی مورد رسیدگی قرار می گیرد و این امر باعث تدقیق و تسریع در رسیدگی و موجب جلوگیری از نقض آن در مرجع تجدید نظر می شود.

۱۱- با استفاده از تجربه و دانش قضات مجرب و با هماهنگی فرماندهان انتظامی استان و شهرستان می بایست برنامه های آموزشی برای مأمورین انتظامی، فرماندهان پاسگاه ها و روسای کلانتریها اجرا نمود. در این زمینه معاونت آموزش قوه قضائیه جزوات و کتبی برای آشنایی آنها به وظایف و اختیاراتشان به عنوان ضابط قوه قضائیه تهیه و در اختیار آنان قرار دهد. پس از آموزش از آنان توسط فرماندهان مربوطه آزمون برگزار و نمره اکتسابی در ارزشیابی آنها تأثیر داده شود نمره مذکور یکی از ملاکهای انتخاب آنان برای واگذاری مسئولیت در سطح حوزه ها، کلانتریها، پاسگاه ها، دوایر، مدیریتهای مربوطه و بکارگیری آنان در بخشهای عملیاتی باشد.

- ۱۲- برای آموزش ضابطین باید به مدارک علمی و رشته ای که در آن تحصیل کرده اند توجه ویژه شود.
- ۱- آموزش افراد کم سواد با افراد دارای مدارک و مدارج عالی علمی متفاوت باشد.
- ۲- بین آموزش افراد با تحصیلات رشته حقوق، الهیات (فقه و مبانی) علوم سیاسی با افراد تحصیل کرده در رشته های دیگر تفاوت قائل شویم.
- ۳- آموزشهای تخصصی با عنایت به تخصصی بودن بعضی از شوراها مد نظر قرار گیرد.
- ۴- زمان برگزاری کلاسها و آزمون محدودیت زیادی نداشته باشد.
- ۵- در آموزش به تبحر، تجربه و تخصص اساتیدی که امر تدریس را بر عهده دارند توجه کافی مبذول گردد.
- ۶- به منظور بالا بردن سطح کیفی آموزش و شرکت هر چه بیشتر این عزیزان محل برگزاری کلاسها زیاد از محل سکونت یا کار اعضاء و دبیران دور نباشد.
- ۷- چنانچه اعضاء و دبیران مذکور از کارکنان دولت باشند اداره یا شرکت مربوطه در رهاسازی آنان سخت گیری بی مورد ننماید و همکاری لازم را معمول دارد.
- ۸- کار آموزی لازم در شعبات دادسرا و دادگاه و دفاتر آنها برای مدت معینی الزامی شود.
- ۹- باز آموزی هر سال حتی در چند ساعت ملحوظ گردد.
- ۱۰- جزوات آموزشی لازم برای سطوح مختلف علمی از سوی معاونت محترم آموزش قوه قضائیه تهیه و در اختیار اساتید قرار دهند
- ۱۳- در هر شهرستان یک شماره تلفن برای پاسخگویی به سئوالات و ابهامات و شبهات اعضاء و دبیران شورا در اختیار این عزیزان قرار داده شود و یکی از قضات (بر اساس نوبت) به سئوالات این عزیزان پاسخ دهند.

منابع

الف) کتب

- ۱- آخوندی، م. آیین دادرسی کیفری. جلد اول. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- احمدی، ن. آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس.
- ۳- بلاغی، ص. عدالت و قضاء در اسلام. چاپخانه سپهر تهران.
- ۴- جعفری لنگرودی، م. ترمینولوژی حقوق. انتشارات گنج دانش.
- ۵- سهراب بیگ، ا. راهکارهای غلبه بر اطاله دادرسی. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۶- مدنی، ج. آیین دادرسی مدنی. جلد اول. انتشارات گنج دانش.
- ۷- مهاجری، ع. رسیدگی های خارج از نوبت در محاکم عمومی. انتشارات گنج دانش.
- ۸- واحدی، ق. بایسته های آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر میزان.

ب) مقالات

- ۹- ابراهیمی، ز. (۱۳۷۲). بررسی علل اطاله دادرسی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری شماره ۳۲.
- ۱۰- ابهری، ح. نشریه مأوی. (شماره ۱۹۲). نقدی بر ماده ۳۸۷ قانون آ.د.م.
- ۱۱- اصغر زاده بناب، م. نشریه مأوی. علل اطاله دادرسی و عوامل موثر در ایجاد آن.
- ۱۲- بیگ زاده آروق، ص. تدوین و گردآوری علمی قوانین. مجله مجلس و پژوهش. (شماره ۳۸).
- ۱۳- چاوشی، ف. مجله قضاوت (شماره ۱۳). شرح وظایف و تقسیم کار اعضا دفتر.
- ۱۴- حسینی، ی. مجله حقوقی و قضایی دادگستری. (شماره ۳۵). (حجیت نظر کارشناسی).
- ۱۵- رحیمی، ح. ماهنامه دادگستر. (شماره ۱۱ و ۱۲). احیای پلیس قضایی یک ضرورت است.
- ۱۶- زارعی، ف. (۱۳۸۸). اطاله دادرسی در محاکم.
- ۱۷- سرشار، م. مجله حقوقی کانون وکلا. (شماره ۳۰). (وظایف اخلاقی قضات در امور دادرسی).
- ۱۸- سرگل زایی شریفی، ع. مجله حقوقی و قضایی دادگستری. (شماره ۳۰-۱۳۷۹). (لزوم راهکارهای تعالی کیفیت علمی قضات).
- ۱۹- شاکری، ا. (مجموعه مقالات قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم). چاپ مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۲۰- شریفی، م. مجله حقوقی و قضایی دادگستری. (شماره ۲۸ و ۲۹). (قلمرو زمان در فقر و حقوق اسلامی).
- ۲۱- طهماسبی، ج. نشریه مأوی. (شماره ۱۵۶). (داستان کهنه اطاله دادرسی).
- ۲۲- عباسی، ا. نشریه مأوی. (شماره ۸۷). (تأملی بر عوامل قانون شکنی و ...).
- ۲۳- کاتوزیان، ن. نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز. (شماره ۲۴). (اهمیت ذاتی قانون و فنون قانون گذاری).
- ۲۴- کیخا، م. نشریه مأوی. (شماره ۱۵۱ و ۱۵۴). (عوامل اطاله دادرسی ...).
- ۲۵- مشایخیان. نشریه مأوی. (عوامل اطاله دادرسی از منظر مرجع قضائی).
- ۲۶- موسی مقدم، م. مجله حقوق و قضایی دادگستری. (شماره ۴۳). (هنر قانون نویسی).
- ۲۷- نصیری، م. مجله مجلس و پژوهش. (شماره ۳۸). (ملاحظات در باب قانون گذاری).
- ۲۸- نیازی، م. مجله حقوقی و قضایی دادگستری. (شماره ۴۱). (جرم زدایی از قانون).

ج) مجموعه قوانین و مقررات

- ۲۹- آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستان انتظامی قضات مصوب ۱۳۸۲ رئیس قوه قضائیه
- ۳۰- دستورالعمل ساماندهی و تردد مراجعین و ارتقا رفتار سازمانی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۵ رئیس قوه قضائیه
- ۳۱- شیوه نامه اجرایی نحوه ارشاد و رسیدگی به پرونده های مطالبه مهریه و اعسار مصوب ۱۳۸۵/۹/۹ ریاست قوه قضائیه

- ۳۲- طرح جامع رفع اطاله دادرسی شامل دستورالعمل های چهار گانه ریاست قوه قضائیه در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۶
- ۳۳- نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها مصوب ۱۳۰۴
- ۳۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ اصلاحی ۱۳۶۸
- ۳۵- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری
- ۳۶- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی
- ۳۷- قانون آئین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸
- ۳۸- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- ۳۹- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- ۴۰- قانون مدنی
- ۴۱- قانون مجازات اسلامی
- ۴۲- قوانین آیین دادرسی آیین مدنی و کیفری
- ۴۳- قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی
- (د) پژوهش میدانی (مراجعه حضوری)**
- ۴۴- مراجعه به تعداد زیادی از قضات محترم دادرسی، دادگاههای بدوی و تجدید نظر استان کهگیلویه و بویراحمد
- ۴۵- شعب مختلف و متعدد دادگاههای حقوقی - جزایی، خانواده، کیفری استان- دادگاههای تجدید نظر و انجام مصاحبه با قضات و مدیران دفاتر و بررسی دفاتر و آمارها و عملکردها
- ۴۶- ملاحظه و بررسی پرونده های زیادی از دادگاههای مزبور و ...
- ۴۷- کانون وکلای داگستری استانهای کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد
- ۴۸- کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان
- ۴۹- کمیته رفع اطاله دادرسی استان کهگیلویه و بویراحمد، ملاحظه عملکردهای کمیته مزبور و مصاحبه با اعضای آن

Investigating the Prolonging the Legal Proceedings in Kohgiluyeh-boyerahmad Judiciary and the Ways to overcome it

Ghulamhassan Arvin Asl¹, Ghavam Karimi², Esmat Rastegar³

1. *Ph.D. student of private law, Islamic Azad University, Yasouj Branch*
2. *Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Yasouj Branch*
3. *Master of Criminal Law and Criminology*

Abstract

Prolonging the legal proceedings in the courts especially in recent years due to seriousness and damages for referrer to judiciary system and even the judicial administrators including the high rankings and other staffs of judiciary system has turned to a grand difficulty. Although many relatively good and satisfactory attempts have been initiated by both experts and judicial administrators but they are not sufficient and the problem still exists. Therefore, it is necessary that this problem be probed more exactly. So I am a full time Judge in Kohgiluyeh-boyerahmad Judiciary was encouraged by one of respectful mentors to select Prolonging Trial in Kohgiluyeh-boyerahmad Judiciary system as my thesis for master degree. This thesis tried to probe and find solution to these questions! What are the main cause and elements in prolonging trial in Kohgiluyeh-boyerahmad Judicial offices? Whether only Judiciary power involves or other powers such as Executive and legislative powers and non-governmental organizations also are involved. The results of the performed research show that, firstly, many factors are involved in the occurrence of this problem. Secondly, these factors are caused by the defects of the three powers as well as other organizations including Bar Association and Official Appraisers, For example, factors like severe shortages in judicial and administrative staff as well as shortages in the proper equipment and material for work and the heavy workload that existed in this province are related to the judiciary and problems that are related to the Executive and the Legislature include the defects of the rules, the lack of some rules and the unfamiliarity of directors, executive in-charges and clients with rules and the proper method for the operation of the rules and instructions, To solve this problem, it is necessary to correct the defects, remove the ambiguities and provide the executive in-charges as well as people with the necessary training.

Keywords: Courts, Proceed, Prolongation, Strategy
